

## کاسه سفالین زرین فام

بقلم آقای

دکتر مهدی بهرامی

از اشیاء تازه‌ای که در بازار عتیقه طهران دیده میشود ظروف زرین فام (طلائی) زیبایی است که در ناحیه گرگان به دست آمده و از حیث نقش و جلوه لعاب با آنچه تا کنون در کاشان و ری و ساوه پیدا شده و تا اندازه‌ای نزد اهل فن مشهور میباشد اختلاف دارد.

با آنکه خوانندگان محترم مجله یادگار همه شناسائی چنین آثار گرانبهای صنعتی علاقه دارند و ما نیز با کمال میل و شوق در باره آنها تحقیق میکنیم ولی مع التأسف بررسی اینهمه ظروف مختلف که سعادت شناسائی آنها نصیب ما گردیده از حوصله این مقاله تجاوز میکند و موضوع رساله جداگانه خواهد بود که انشاءالله تعالی بزودی پیشگاه ارباب علم سفال شناسی در ایران تقدیم خواهیم داشت.

اینک پس از شرح مختصری راجع بظهور ظروف سفالین بالعب زرین (مشهور بنوع طلائی) بمعرفی يك نمونه که دارای امضاء و تاریخ میباشد اکتفا میکنیم.

در قرون وسطی ظروف سفالین و چینی ساخت چین رقم عمده محصول آن کشور را تشکیل میداده که بایران و از ایران بکشور روم (بیزانس) حمل و نقل میشده است. مورخین اسلامی آنرا در جزء «الطرائف الصينیه» بخوبی می شناخته و فروشندگان چینی در بازار دار الخلافه بغداد مکان و محله خاصی داشته اند ۱.

۱- رجوع شود بکتاب البلدان تألیف ابن الفقیه الهمدانی طبع لندن ۱۸۸۵ میلادی و

همچنین نسخه خطی کتابخانه آستان قدس مشهد.

ارتباط چین در آنوقت با ایران هم از راه خشکی و طریق ترکستان و مرو و شاهجان و نیشابور (راه ابریشم) بوده و هم بوسیله راههای هندوستان و خلیج فارس و بنادر سیراف و بصره صورت میگرفته است. ۱۰

اندیشه رقابت اقتصادی با پیشرفت روز افزون ظروف چینی از پیش از اسلام خیال هنرمندان ایران را آسوده نگذاشته و پیوسته در صدد شکست بازار آن بر آمده حتی در همان اوقات ترقی ظروف چینی در آغاز قرن سوم هجری که مصادف با پادشاهی سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۶ میلادی) در چین بوده است در مراکز مختلف صنعتی کشور مانند نیشابور و ری و اصفخر و شوش دست بنقلید و ساختن ظروفی زده اند که در لعاب و در نقش با بهترین نمونه های کار چینی قابل مقایسه میباشد.

در دوره تانگ در چین ظروف سفالینی ساخته میشد که بیشتر بلعاب رقیق و روان رنگارنگ یا آبی نیلی زینت یافته و در میان چینی ها نمونه هائیکه دارای لعاب ضخیم رنگ سلاذن ۲ یا سفید بوده و بنقش کنگره ۳ یا مخطوط و بگل و بوته های تزیینی آرایش یافته بودند بسیار در آسیای مرکزی و ایران رواج داشته است شرح و بیان شگفتی های بسیاری که از هنرمندان کشور خاصه استادان خراسان و کاشان و ری در تاریخ سفال سازی بهمچشمی و رقابت کارهای چینی بوجود آورده اند دراز است، همینقدر میتوان اشاره نمود که در طی این مبارزه کارگاههای بزرگی در کشور تشکیل گردید و گذشته از تهیه ظروف سفالین بسبک چین بکشف و ابتکار سبک های تازه ای نیز موفق آمدند که از همه معروفتر طرز مینائی و زرین فام بوده است.

ظروف سفالین که در قرن ششم و هفتم هجری ساخته میشده دارای جدار بسیار نازک و خمیر سخت و درخشنده میباشند که با سنگ سائیده و خرده شیشه و گل سفید (لوری یا رکانی منسوب بدعوات گل خیز) ساخته شده اند.

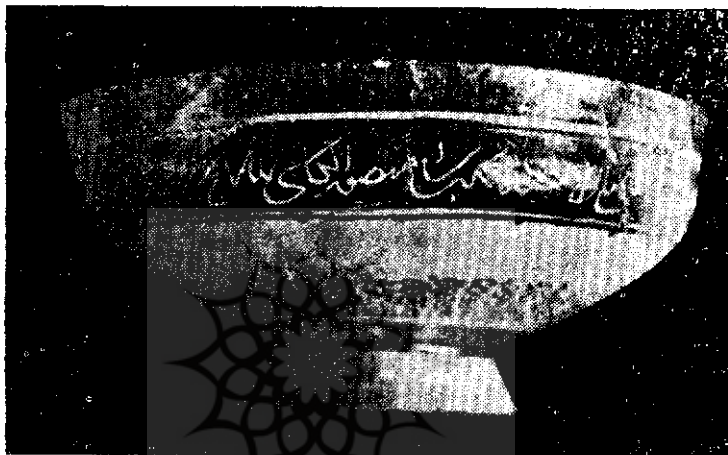
لعاب زرین از آغاز قرن سوم در ایران شناخته شده بود ولی نخستین نمونه های

آن که بگبری طلائی شهرت دارند در استحکام با ظروف ساخت قرن ششم و هفتم قابل مقایسه نیست و از حیث ترکیب مواد نیز با آنها کاملاً اختلاف دارند و بنظر میرسد که اولین سبک طلائی تا پایان قرن چهارم بیشتر دوام نکرده و چون هیچ نمونه‌ای در قرن پنجم بسبک طلائی ساخته نشده است نمیتوان دومین سبک طلائی را دنباله اولی دانست. بنظر ما ظروف زرین فام که در قرن ششم و هفتم هجری در کاشان و ری و گرگان ساخته شده در تاریخ هنرهای زیبای کشور بی نظیر بوده بلکه در تاریخ سفال سازی دنیا نیز مقام ارجمندی دارند و ما در هیچ کشوری نمونه‌ای زیباتر از آن که بدان سبک ساخته شده باشد نمی‌شناسیم و بهمین مناسبت این ظروف در تمام دنیای قدیم مورد توجه بوده و بتقلید آن در اسپانیا نوع زرین فام مشهور بزلیلیج را ساخته‌اند ولی بتصدیق یکی از مسافرن همان کشور یعنی ابن بطوطه طنجه‌ای نمونه‌های ساخت اسپانیا از کار ایران پست‌تر است.

چنانکه میدانیم در بارشلاجقه و خوارزمشاهیان مرکز اهل هنر و دانش محسوب میشده و در آنجا فن خوش نویسی و نقاشی بسیار مورد توجه مردمان بوده است، استادان سفال ساز نیز از همکاری با ایشان کوتاهی نکرده و زاده ذوق و زحمت خود را اغلب بهترین وجهی باشعار دلچسب و تصاویر زیبا آرایش میداده‌اند. در این هنر هم کار کوزه و عمل ساخت آن بسیار دشوار بوده است و هم ترکیب خمیر و تهیه کالبد گلی آن در باب طرز ساخت لماب ظروف مؤلف رساله «گاشی ۳-ری» (غضاره) یعنی ابوالقاسم عبدالله بن علی بن ابی طاهر چنین مینویسد:

«و سیاق لیه بدین تفصیل باشد: فرا گیرند زرنیخ زرد و سرخ یکجز و نیم و مر قشیا ذهبی یا فضی یکجز و وزاج زرد طبسی یا قبروسی نصف جز و معجون مدقوق مسحوق چهار یکی از و بشش درم نقره محرق بگو گرد بر صلابه دو شبانروز سحق کرده و مهیا شده با قدری دوشاب حل کرده آلات را نقش کنند چنانکه خواهند و باز در شاخوره نانی نهند که برای آن کار ساخته باشند و سه شبانروز دود می‌دهند تا رنگ دو آتشی مثل طلا گیرد و چون سرد شود بیرون کنند و بنخاک باریک بمالند

صبغی مثل زر ازوی درخشد و گروهی دیگر برین لایقه ادویه چند زیادت میکنند چون برنج و زنجار اما بجای همه شادنج مفرد با نقره محرق همین کار بکنند و آنچه از آن آتشی معتدل یافته باشد مثل زر سرخ درفشد و مانند روشنی آفتاب درخشد کاسه ای که ما امروز از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم دارای پایه و دیواره کوتاه و لعاب سفید رنگ است که بسبب طلائی بر روی آن نقاشی شده ۲۰



نقش امضای سازنده کاسه زرین فام مرمغان

نقش درون ظرف عبارت از چهار ترنج گلابی شکل میباشد که بدور ترنج گردی در میان کاسه قرار گرفته و در فواصل آنها مجلس گفتگوی دو نفر جوان چهار بار تکرار شده است.

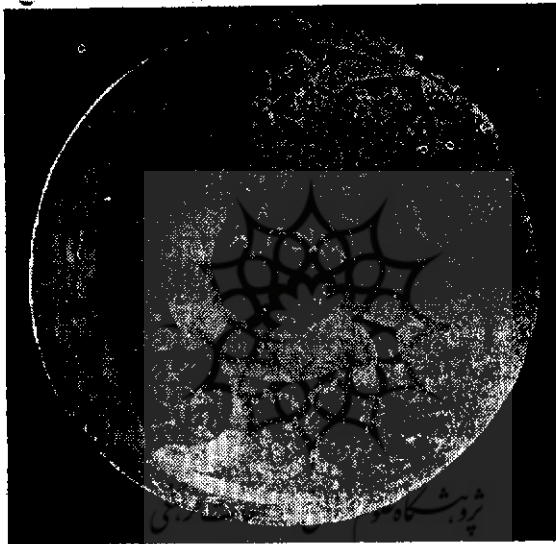
هر يك از ترنجها بتصویر بیسکر گاو بزرگی آرایش یافته و در بیرون نوشته بخط نسخ شکسته دور لبه ظرف را فرا گرفته است، بخشی از آن از بین رفته و آنچه

H. Ritter, J. Ruska, F. Sarre, R. Winderlich, « Orientalische — ۱  
steinbücher und Persische Fayencetechnik » (Istanbuler Mitteilun-  
gen, H. 3, 1935, p. 29—30

۲ - فراخی دهه ۲۰ و بلندی آن ۹٫۵ سانتیمتر است .

باقی مانده شامل اشعار فارسی است که بامضاء ذیل ختم میشود :

محمد بن ابی منصور الکاشی بتاریخ صفر احدی و ستمانه هجریه (۶۰۹)  
اهمیت این ظرف تنها بمناسبت نام سازنده و تاریخ ساختش نیست بلکه سبک  
کار آن شیوه تازه ای را نشان میدهد که با اسلوب استادان کاشان و ری و ساوه فرق  
دارد و نخستین کار ساخت گران را که تا کنون شناخته شده بماند .  
با آنکه پسر ابو منصور خود را از اهل کاشان میدانند نه نام او نه نام پدرش



نقش درون کاسه

هنوز در شمار خاندان کاشی گران کاشان دیده نشده است حتی سبک کارش هم وطن  
اصلی او را ابدأ بیاد نمی آورد چه از لعاب سفید رنگ و سبک تر کیب بندی نقش درست  
نمی توان شخصیت صنعتگر را مبرز کرد بلکه تنها از ملاحظه جزئیات کار است که  
میتوان باختلافیکه میان شیوه محمد بن ابو منصور با کارهای کاشان و ری موجود  
است پی برد .

مثلاً در صورتیکه هنرمندان کاشان چهره اشخاص را درشت و اعضاء آنرا کاملاً  
واضح نموده بنمایش زیبایی آنها توجه خاصی معطوف داشته اند تصاویر اشخاصی که

در این کاسه دیده میشود هیچکدام مبین چنین فکری نیست بلکه از جهت اختصار بسبک کار استادان ساوه مشابهنه دارد .

همچنین بر روی سر جوانان کار کاشان نیم تاجی دیده میشود که در فرازیشانی بمرواریدی آراسته شده و بر روی جامه آنها نیز گل و بوته های تزیینی گواه مخصوص توجه نقاش بنمایش طبیعت است .

آرایش زلف سر در روی کاسه ما بسیار ساده است و موها در دو طرف پیشانی تقسیم شده و از این لحاظ هم با شیوه استادان ری و ساوه اختلاف دارد .

در کاشان در آغاز قرن هفتم دو استاد مشهور کاشی گر بوده اند که نام آنها بر روی ظروف و کاشی ها خوانده میشود و این دو هریک سبکی جدا گانه احداث کرده بودند یکی بزرگترین استاد کاشی گر کاشان ابو زید محمد بن ابو زید نقاش مشهور به بطه (کذا) که خود او در تهیه کاشی و محراب حرم حضرت رضا علیه السلام در مشهد و پدرش در ساختن مزار متبرک حضرت معصومه علیها سلام شرکت نموده دیگری سید شمس الدین الحسنی که بهترین کارش همان بشقاب بزرگ متعلق بمجموعه امور فو پولس ۱ است که مجلس ملاقات خسرو شیرین را نشان میدهد و تاریخ آن جمادی الاخر سنه ۶۰۷ هجری است . ۲

با اینکه این دو استاد همزمان هریک در کار خود استقلال فکری دارند باز در سبک نمایش انسان و آرایش مجلس بین ایشان بستگی فاحشی موجود است که همان نماینده و گواه شخصیت شیوه معمول کاشان میباشد .

بنابراین محمد بن ابی منصور را نمیتوان از نظر صنعت از مردم کاشان بشمار آورد و انتساب او را باین شهر مخصوص کاشی گران برای شناسائی کار او کافی دانست بلکه بشرحی که گفتیم گرگانی دانستن او اولی است .

۱ - Eumorfopoulos

۲ - برای مزید اطلاع بآخذ ذیل رجوع شود :

M. Bahrami, Le Problème des atelies etc. (Rev. des Arts Asiatiques) 1913

A. Pope, A survey of persain Art, 1918, vol. vpl. 708